

بررسی نقش «استناد»¹ در مقالات علمی- پژوهشی و معرفی شیوه‌نامه‌های استنادی درون و برون‌متنی

محمد دولت آبادی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اطلاع رسانی و کتابداری

چکیده

معمولاً پژوهشگران در نوشته‌های خود به آثاری که ربط موضوعی با نوشته آنها دارد ارجاع می‌دهند و از این آثار برای تایید نظر خویش استفاده می‌کنند یا تفاوت نظر خود را با اندیشه‌ها و یافته‌های جدید نشان می‌دهند. این آثار را، که به منابع یا مأخذ نیز شهرت دارد، "استناد شده" یا "سند" و نوشته‌ای را که به آنها استناد می‌کند "استناد کننده" یا "متن" می‌نامند.

این مقاله ضمن اشاره‌ای به وضعیت تحقیق در ایران؛ به تاریخچه استناد، انواع، عناصر، و دلایل استناد، که مؤلفه‌های ساختار و محتوای یک مقاله را تشکیل می‌دهد و سبب کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های مقالات نسبت به یکدیگر، و بازشناسی هر مقاله در قیاس با سایر مقالات می‌شود پرداخته؛ سپس به تاریخچه استناد در جهان اسلام می‌پردازد، و در پایان، شیوه‌های استناد درون و برون‌متنی را معرفی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: استناد، استناد در اسلام، استناد درون‌متنی، استناد برون‌متنی، کتابنامه نویسی

مقدمه

سرمایه‌گذاری در امر تحقیق را می‌توان از جهات گوناگون مورد بررسی قرار داد. این سرمایه‌گذاری ممکن است ناظر بر تربیت نیروی انسانی، تهیه مواد و تجهیزات، تسهیلات فضا، تامین بودجه و امکانات مالی، فراهم آوردن شرایط مساعد برای نشر یافته‌های پژوهشی، و جز آن باشد. گرچه نفس سرمایه‌گذاری به عنوان حرکتی اقتصادی ناگزیر با ملاک‌های اقتصادی سنجیده می‌شود، لیکن سرمایه‌گذاری در امر تحقیق به

¹ Citation / To Cite

دلیل ماهیت علمی و فرهنگی آن، از محاسبات خاص دیگری نیز پیروی می کند که توجه به آنها ضروری است.

سرمایه گذاری در امر تحقیق، در واقع سرمایه گذاری برای تولید اطلاعات علمی است. یعنی شرایطی فراهم می گردد که متخصصان هر حوزه بتوانند با استفاده از تخصص های ویژه خود و مطالعات هدفداری که انجام می دهند اطلاعات نوین منضبطی را برای بهره مند شدن دیگران تولید و عرضه کنند. این گونه تولید علمی را می توان بازده سرمایه گذاری برای فعالیت های پژوهشی به شمار آورد.

از سوی دیگر، بازده تحقیقات علمی را می توان بنابر نوع وظایف و مسئولیت های متخصصان تعریف و تبیین کرد. به طور مثال، پزشک ممکن است حاصل مطالعات خود را در تشخیص یا معالجه بیماری ها به کار برد، مهندس یافته های تحقیقی خود را در بهسازی و اصلاح دستگاه ها یا فرایند تولید کالاها یا مصنوعات مورد استفاده قرار دهد، و معلم دانشگاه نتایج مطالعات و بررسی خود را از طریق شفاهی و مبادله در کلاس درس در اختیار مخاطبان خود بگذارد. اما در کنار این وظایف، نقش پژوهشی این کارگزاران حوزه تحقیق ایجاب می کند که یافته های خود را برای گستره وسیع تری از مخاطبان نیز نشر و عرضه کنند. محقق زمانی قادر به ایجاد ارتباط ماندگار علمی است که یافته های خود را ثبت و نشر کند تا به مخاطبانی ویرای حلقه پیرامون وی - اعم از همکاران یا دانشجویان - ارائه گردد. و تعبیری به "عالم دانش و اطلاعات" راه یابد. (حری، ۱۳۸۵، ۱)^۱

استناد

استناد به معنای سند قرار دادن چیزی؛ تکیه بر چیزی کردن؛ و آیه، حدیث، یا سخنی را سند قرار دادن و بدان تمسک جستن آمده، و در اصطلاح، اشاره به سخن یا سند پیشین را گویند. معمولاً پژوهشگران در نوشته های خود به آثاری که ربط موضوعی با نوشته آنها دارد ارجاع می دهند و از این آثار برای تایید نظر خویش استفاده می کنند یا تفاوت نظر خود را با اندیشه ها و یافته های جدید نشان می دهند. این آثار را، که

^۱ به دلیل مورد استفاده قرار دادن دو منبع از یک مولف با یک سال انتشار، (حری، ۱۳۸۵، ۱) اشاره به اولین منبع مورد استناد، و (حری، ۱۳۸۵، ۲) اشاره به دومین منبع مورد استناد می باشد.

به منابع یا مآخذ نیز شهرت دارد، "استناد شده" یا "سند" و نوشته‌ای را که به آنها استناد می‌کند "استناد کننده" یا "متن"^۱ می‌نامند. (مدیرامانی، ۱۳۸۱)

تاریخچه

در گذشته، امر استناد به گونه‌ای معمول بوده، ولی ضوابطی مدون که بتوان آنها را مبانی نظری چنین امری تلقی کرد نداشته است.

سابقه این امر در غرب به قرون هجدهم و نوزدهم بازمی‌گردد. در واقع، پایه و اساس استفاده از استنادها در علوم مختلف گزارش‌های استنادی در حوزه حقوق بود. در انگلستان، گزارش‌های حقوقی مشتمل بر عناوین موارد حقوقی استناد شده با نام "گزارش ریموند"^۲ در سال ۱۷۴۳ و "گزارش داگلاس"^۳ در سال ۱۷۸۳ انتشار یافت. متون مختلفی نیز در زمینه استنادهای حقوقی در طول قرن نوزدهم چاپ شد که از معروفترین آنها "استنادهای شپرد"^۴ است که در سال ۱۸۷۳ در حوزه حقوق امریکا انتشار یافت. در سال ۱۹۴۹، شخصی به نام جوت، کتابدار کتابخانه اسمیت سونیون^۵، شماری از استنادهای پایان کتاب‌هایی در زمینه شیمی، حقوق، و انسان‌شناسی را سیاهه کرد. در سال ۱۹۵۳، ویلیام سی آدیر^۶، معاون پیشین مؤسسه تهیه‌کننده "استنادهای شپرد"، در نامه‌ای به اوژن گارفیلد^۷، پیشنهاد به کارگیری استنادهای نوشته‌های علمی را به وی ارائه داد. (همو)

گارفیلد در آن سال‌ها در طرح ولش^۸ در زمینه تهیه نمایه‌های پزشکی کتابخانه پزشکی جان هاپکینز^۹ فعالیت می‌کرد. به دنبال این پیشنهاد، گارفیلد پی‌برد که تقریباً هر جمله‌ای در مقالات مروری^{۱۰} بر پایه استنادی به آثار پیشین است که می‌توان آنها را به‌منزله مجموعه‌ای از عناصر نمایه‌سازی در نظر گرفت. تبدیل این عناصر به‌شکلی ثابت برای نمایه‌سازی مسئله‌ای عمده بود. نتیجه ایجاد ارتباط میان اندیشه شکل‌گیری طرح ولش و ساختار "استنادهای شپرد" منجر به تهیه و توسعه نمایه استنادی آثار علمی توسط گارفیلد گردید. گارفیلد در

¹ Citing / Source

² Raymond's Reports

³ Douglas Reports

⁴ Shepard's Citation

⁵ Smithsonian Library

⁶ William C. Adair

⁷ Eugene Garfield

⁸ Welch project

⁹ John Hopkins Welch Medical Library

¹⁰ Review articles

سال ۱۹۵۵ طی مقاله‌ای در نشریه، فکر ایجاد نمایه استنادی علوم را عرضه کرد. در سال ۱۹۵۶، وی مؤسسه‌ای به نام دکوماناسیون^۱ تأسیس کرد که پس از مدتی کوتاه به مؤسسه اطلاعات علمی^۲ تغییر نام داد. در سال ۱۹۶۱، نخستین ویرایش رسمی «نمایه‌نامه استنادی علوم» منتشر گردید و در سال ۱۹۷۳، "نمایه‌نامه استنادی علوم اجتماعی"^۳ پدید آمد و از سال ۱۹۸۹ فرایند کاوش در این نمایه‌نامه از طریق پایگاه اطلاعاتی دیالوگ امکان‌پذیر شد، در حال حاضر نیز هم به شکل چاپی و هم رایانه‌ای (به‌صورت پیوسته و صفحه فشرده) در دسترس است. (همو)

استناد در جهان اسلام

در جهان اسلام، پیشینه استناد از بطن روایت رویداده است. در دوره جاهلیت، راویانی بوده‌اند که اشعار شعرا را حفظ می‌کردند و بر مردم می‌خواندند. گاه برخی شاعران، راوی شعر دیگر شعرا می‌شدند و ضمن حفظ و نقل شعر آنان از سبک آنها نیز پیروی می‌کردند. شاید بتوان گفت که این شکل از روایت، جزء نخستین حرکات، برای رسمیت بخشی به فرایند استناد بوده است. پس از ظهور اسلام، در قرن اول هجری، شاخه جدیدی از علم، به نام علم الحدیث شکل گرفت. در علم الحدیث، امر استناد یا اسناد از اهمیت خاصی برخوردار بود و به سبب نقش حساسی که حدیث در انعکاس سخن معصوم داشت، اسناد هر حدیث به زنجیره ناقلان (سلسله سند)، عنصر اساسی تشخیص صحت و اعتبار احادیث شمرده می‌شد. احتمالاً علم الحدیث، تنها حوزه‌ای است که به سبب طبیعت موضوعی اش مسأله استناد را با دقت بررسی کرده و برای آن قواعد و شرایطی مقرر داشته است.

از سوی دیگر، با آغاز و شکوفایی تمدن اسلامی، فرایند تدوین و تصنیف کتاب بر منحنی رشد قرار گرفت. یکی از رهاوردهای دیگر اسلام در این دوره، حلقه‌های درس بود، که در آن عالمان به تدوین و تألیف و طالبان به تعلم و تحصیل مبادرت می‌کردند. اسلوب آموزشی در این حلقه‌های درس، روایت مدار و اساس آن مبتنی بر اخذ مستقیم علم از استاد بود. در واقع این گونه روایت که از آن به روایت علمی تعبیر کرده‌اند

¹ Documentation Inc.

² Institute of Science Information (ISI)

³ Social Science Citation Index

از حلقه‌های درس آغاز و به فرایند استناد در صفحات کتاب منتهی شد. بدین ترتیب که بسیاری از مولفان در این دوره از طریقه اسناد در تألیفاتشان پیروی کردند.

از قرن سوم هجری، به دلیل گسترش دانش و حرکت آن به سمت اخص گرایی، اوراق کتاب‌ها افزوده شد و برخی دانش‌ها تبدیل به مسلمات و امور بدیهی گردید. لذا ضرورت ذکر اساتید کمرنگ تر شد. پس از آن، نویسندگان شیوه دیگری اتخاذ کردند و آن ذکر مأخذی است که مولف در اثرش از آن بهره برده است. یاقوت حموی در مقدمه کتاب بزرگ و گرانقدرش، ارشاد الاریب الی معرفت الادیب، معروف به معجم الادیب، می‌گوید: "من اساتید را حذف کردم با آنکه می‌توانستم همه آنها را نقل کنم. ولی چون قصد بر ایجاز و کوتاهی بود، فقط مواضع نقل و مأخذ سخنم را آوردم." (حری، ۲، ۱۳۸۵)

انواع استناد

برای حفظ یکدستی در استناد، قواعد و معیارهایی در مقیاس بین‌المللی پدید آمده است که در استناد به تک‌نگاشت‌ها، گزارش‌ها، مقاله‌ها، و دیگر مدارک می‌توان آنها را به‌کار بست. هرچند برخی عقیده دارند که "به سبب وجود نمونه‌های متنوعی از استناد که در آثار و منابع گوناگون به چشم می‌خورند، ارائه هرگونه توصیه صریح و روشن در این باره دشوار است"، می‌توان از معیارهایی مانند استاندارد بین‌المللی توصیف کتابشناختی^۱ و قواعد فهرست‌نویسی انگلو امریکن^۲ بهره گرفت. در حوزه‌های مختلف علوم، شیوه‌های گوناگونی برای استناد به کتاب‌ها و نشریه‌ها وجود دارد که شیوه‌نامه "شرایط یکسان برای ارائه دستنوشته به مجله‌های زیست پزشکی"^۳، که در سال ۱۹۷۸ توسط کمیته بین‌المللی سردبیران مجلات پزشکی^۴ تهیه شده، از آن جمله است. چهارصد نشریه معتبر پزشکی دنیا از این شیوه‌نامه برای مقاصد مختلف نوشته‌های علمی حوزه پزشکی پیروی می‌کنند.

در هر استناد، موارد کلی زیر رعایت می‌شود:

^۱ International Standard of Bibliographic Description (ISBD)

^۲ Anglo-American Cataloging Rules (AACR)

^۳ Uniform Requirements for Manuscripts Submitted to Biomedical Journals

^۴ International Committee of Medical Journal eds

الف. منبع اصلی داده‌ها برای استناد کتابشناختی مواد چاپی معمولاً صفحه عنوان و صفحه‌های مرتبط با آن در هر اثر است. در مواد غیرچاپی، داده‌ها از جلد، شرح، یا دیگر عناصر، از جمله مواد چاپی همراه، استخراج می‌گردد؛

ب. مختصرترین شکل استناد، حداقل اطلاعات ضروری برای شناسایی اثر را ارائه می‌دهد و سطوح دیگر اطلاعات ماهیت یا محتوای اثر را بیان می‌کند یا شناسایی یک اثر را آسان می‌سازد؛

ج. برای نقطه‌گذاری (سجاوندی) شیوه‌های مختلفی با یکدیگر تلفیق و پذیرفته شده است. آنچه در این زمینه اهمیت دارد کمک به خوانایی یا درک استناد است؛

د. در بیشتر معیارهای استناد، استفاده از کوتاه‌نوشت‌ها (اختصارها)^۱ رواج دارد که کوتاه‌نویسی عناوین نشریه‌های ادواری از آن جمله است.

عناصر استناد

در مقاله‌های مجلات، مهم‌ترین عناصر استناد شامل پدیدآورنده(ها)، عنوان، شرح منبع (مانند عنوان نشریه) تاریخ نشر، شماره جلد یا دوره، شماره نشریه، و شماره صفحات است. در مورد کتاب‌ها و گزارش‌ها معیار بین‌المللی توصیف کتابشناختی تک‌نگاشت‌ها در سال ۱۹۷۴ عناصر لازم برای توصیف اطلاعات کتابشناختی را شامل پدیدآورنده(ها)، عنوان، پدیدآورنده همکار (مترجم، گردآورنده، مصحح، ویراستار)، شماره ویرایش، وضعیت نشر (محل نشر، نام ناشر، تاریخ نشر)، و شماره جلد و صفحه دانسته است.

استناد به گزارش‌ها ممکن است به دو صورت انجام شود: ۱) استناد به مجلدی از گزارش (مثلاً یک همایش)؛ و ۲) استناد به نویسنده یا اثری در آن مجلد. عناصر استناد به گزارش مشابه کتاب است و در مورد استناد به مقاله‌ای انفرادی، صرفاً با افزودن جزئیاتی مانند عنوان، نویسنده(ها)، و تعداد صفحه به استناد کامل یک مجلد صورت می‌گیرد.

استناد به مواد و منابع دیگر مانند پروانه‌های ثبت اختراع، داده‌های ماشین‌خوان، منابع دیداری - شنیداری، و جز آن نیز وجود دارد که در صورت استفاده در نوشته باید به آنها استناد شود. با تهیه و تدوین حوزه کلیات^۲ برای توصیف کتابشناختی، در سال ۱۹۷۵، چارچوبی جامع برای شیوه انتخاب عناصر اطلاعاتی انواع منابع و

^۱ Abbreviation

^۲ ISBD(G)

رسانه‌ها ایجاد شد. یونسکو (یونی‌سیست) و بخش چکیده‌نویسی شورای بین‌المللی اتحادیه‌های علمی^۱ به شکل یک گروه کار، در مورد انواع توصیف کتابشناختی اقدام کرده است. این گروه "راهنمای مرجع برای توصیف‌های کتابشناختی ماشین‌خوان"^۲ را تدوین کرد. این راهنما مجموعه اساسی کوچکی از عناصر اطلاعاتی است که می‌تواند گامی در جهت تهیه استنادی مناسب به حساب آید.

دلایل استناد

استناد بیانگر نوعی استفاده از دانش پیشین است. به طور کلی، نوشته علمی فقط بر خود متکی نیست، بلکه بر بسیاری منابع پیشین هر موضوع استوار است. نمودار شدن منبعی در سیاهه منابع یک اثر بازگوکننده این مطلب است که در ذهن نویسنده ارتباطی میان اثر وی و مقاله‌ای که در فهرست مآخذ خود به آن استناد کرده است، وجود دارد.

علل استناد به اثری پیشین بسیار متعدّد و متنوع است. افرادی مانند بروکز، کرونین، لیو، ونیستوک، و اسمیت علل و انگیزه‌های متعددی را برشمرده‌اند. یکی از جامع‌ترین نگرش‌ها متعلق به ونیستوک است که دلایل استناد را در پانزده مقوله دسته‌بندی کرده است: (۱) ادای احترام و قدرشناسی نسبت به متقدمان؛ (۲) اعتبار بخشیدن به اثر مرتبط با حوزه مورد نظر؛ (۳) معرفی روش و ابزارهای علمی مورد استفاده؛ (۴) فراهم‌آوری زمینه برای مطالعه بیشتر؛ (۵) تصحیح اثر خود؛ (۶) تصحیح آثار دیگران؛ (۷) نقد آثار دیگران؛ (۸) اثبات یک ادعا؛ (۹) آگاه کردن محققان از آثار نشریافته یا در حال انتشار؛ (۱۰) فراهم آوردن راهنمایی از آثار پراکنده یک حوزه؛ (۱۱) اعتبار بخشیدن به داده‌ها و مقوله‌های متداول و مسلم‌دانسته موجود؛ (۱۲) شناسایی انتشارات بنیادی و مهم حوزه‌ای خاص؛ (۱۳) شناسایی انتشارات بنیادی درباره مفهومی خاص؛ (۱۴) ردّ اثر یا اندیشه منتسب به دیگران؛ و (۱۵) ردّ ادعاهای حق تقدّم در آثار دیگران.

لورا برد، دو دلیل دیگر را به‌عنوان انگیزه‌های استناد به مجموعه پیشین می‌افزاید: الف) استناد به اثری پیشین به منظور کسب احترام و اعتبار؛ و ب) استناد به آثاری که نظر نویسندگان آنها کاملاً هماهنگ با دیدگاه‌ها و انتظارات مخاطبان باشد.

^۱ Abstracting Board of the International Council of Scientific Unions (ICSU-AB)

^۲ Reference Manual for Information Handling Procedures

کانو عقیده دارد که همه استنادها دارای ارزش برابر نیستند. وی بر اساس مطالعه‌ای در سال ۱۹۸۹، برآورد کرده است که بیش از ۳۱ استناد، در بخش مقدمه و معرفی پژوهش و صرفاً برای رفع تکلیف و حفظ ظاهر منعکس می‌شود و از این رو، از دیدگاه اطلاعاتی از اهمیت قابل توجهی برخوردار نیستند. موروسیک و موروگسان در سال ۱۹۷۵، انگیزه‌های رویکرد به استناد را در طبقه‌بندی نظام‌یافته‌ای عرضه کردند. در این طبقه‌بندی چهار گروه وجود دارد که عبارتند از: (۱) ادراکی یا عملکردی^۱؛ (۲) سازمان‌یافته (منطقی) یا بدون سازمان (بدون منطق)^۲؛ (۳) تکاملی یا الحاقی^۳؛ و (۴) تأییدی یا تکذیبی^۴. این مطالعه نشان داد که درصد بزرگی از مآخذ در بخش دوم از گروه دوم، یعنی "انگیزه‌های بدون سازمان یا بدون منطق"، جای می‌گیرد که شک و تردید را درباره کیفیت و سنجش استنادها به دنبال دارد. به نظر می‌رسد که نویسندگانی به منظور افزایش تعداد استنادها، دست به نگارش موضوع‌هایی مناسب روز می‌زنند تا بتوانند به مآخذ بیشتری استناد کنند. شاو معتقد است که استناد در میان نویسندگان رابطه‌ای برقرار می‌کند که می‌توان از آن به عنوان واحد اندازه‌گیری ارتباط غیرمستقیم نویسندگان با یکدیگر یاد کرد و اسما، استناد را به منزله نوعی نظام زبانی، با انعطاف‌پذیری بیشتر از زبان عادی، می‌داند. باربارا و مایکل مک رابرتز در مطالعه‌ای درباره فرایند و انگیزه‌های استناد در ۱۹۸۸ دریافته‌اند که نیمی از ارتباطات میان دانشمندان بیش از آنکه رسمی و مدون باشد، به شکلی غیررسمی جریان دارد و با آنکه آشکار است که آثار بیشتری مورد استفاده قرار گرفته، فقط به پانزده درصد از آنها در متن استناد می‌شود. سانديسون^۵ عقیده دارد که استناد فقط به عنوان مجموعه‌ای از اطلاعات کتابشناختی در پایان مقاله (یادداشت‌های آخر، پانویس‌ها، و جز آن) نیست؛ در حقیقت، استناد نشان دهنده تصمیم نویسنده است که می‌خواهد چه رابطه‌ای میان مدرکی که در دست تهیه دارد با نوشته‌های دیگر برقرار کند. اوپنهایم و رن، در بررسی دلایل استناد به نوشته‌های پایه و بنیادی، هفت علت را برشمرده‌اند: (۱) زمینه تاریخی (پیشینه موضوع)؛ (۲) توصیف آثار مرتبط با موضوع؛ (۳) عرضه برخی یافته‌ها؛ (۴) عرضه اطلاعات یا داده‌هایی به منظور مقایسه؛ (۵) استفاده از اصول نظری؛ (۶) استفاده از روش‌ها و فنون؛ و (۷) اشاره به نظریه‌ای که دیگر کاربرد ندارد. بیست‌وسه مقاله منتشرشده در سال‌های ۱۸۹۶-۱۹۲۱، که هنوز هم مورد استناد است،

^۱ Conceptual or Operational

^۲ Organic or Perfunctory

^۳ Evolutionary or Juxtapositional

^۴ Confirmative or Negationa

^۵ A. Sandison

پایه این بررسی بود. این مطالعه نشان داد که دلیل عمده چهل درصد استنادها به این مقالات، از نوع پیشینه موضوع و شصت درصد یا بیش از نیمی از آنها از نوع مرتبط با موضوع بوده است.

گارفیلد، مارگلین، و برخی محققان بر این اعتقادند که از طریق ردگیری استنادها به گروهی خواهند رسید که پیوسته مورد استناد قرار گرفته‌اند و در واقع بیشترین استنادها به آنان صورت گرفته است و از این جمع به کلن تعبیر کرده‌اند.

چنین جمعی در میان محققان حدیث نیز مطرح بوده است. یعنی به جماعتی از مشایخ حدیث که احادیث پیوسته توسط آنان یا از طریق آنان نقل می‌شده، "عدّه" می‌گفته‌اند. این جمع کوچک یا چهره‌های برجسته یک قلمرو را پرایس "خط مقدّم جبهه تحقیق" یا "پیشگامان تحقیق" آن حوزه می‌خواند. (مدیرامانی، ۱۳۸۱)

شیوه‌های استناد برون متنی و درون متنی

هر شیوه استناد، معمولاً دارای قواعد مشخص برای استناد در متن، ساختار، مآخذ، و همچنین تنظیم فهرست منابع مورد استناد است، که در زیر به شرح آن پرداخته می‌شود.

۱. شیوه‌های استناد برون متنی

الف. شیوه نامه شیکاگو

شیوه نامه استنادی شیکاگو، یا شیوه نامه علوم انسانی توسط دانشگاه شیکاگو تدوین شده است. این شیوه نامه بیشتر در حوزه ادبیات، تاریخ، و هنر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شیوه، اطلاعات مربوط به منابع مورد استناد در یادداشت‌ها ارائه می‌شود. این یادداشت‌ها که یادداشت‌های ارجاعی نامیده می‌شوند، گاه در انتهای هر صفحه یا در انتهای هر فصل و گاه در انتهای اثر ظاهر می‌شوند. وقتی یادداشت‌های ارجاعی در پایین هر صفحه ظاهر شود، به آنها پانویس یا پانوشت، و وقتی در انتهای فصل یا اثر می‌آیند به آنها پی‌نویس یا پی‌نوشت گفته می‌شود. با وجود یادداشت‌های ارجاعی، ارائه فهرست مآخذ در پایان اثر امری اختیاری است، به ویژه اگر پی‌نوشت استفاده شود. (حری، ۱۳۸۵، ۲)

برخی معایب و محاسن استفاده از پانویس و پی‌نویس

✓ برخی منابع، به دلایل اقتصادی و همچنین زیباشناختی، استفاده از یادداشت‌های انتهایی یا پی‌نویس‌ها را به پانویس‌ها ترجیح می‌دهند.

- ✓ از آنجایی که یادداشت‌ها باید به طور متوالی شماره گذاری شوند، در شماره گذاری پانویس‌ها که در آن اعداد ارجاعی هر صفحه به طور جداگانه در همان صفحه از عدد یک آغاز می‌شود و در همان صفحه خاتمه می‌یابد، هر تغییری در صفحه آرایه منجر به تغییر اعداد ارجاعی کلیه صفحات می‌شود.
- ✓ در نظام مبتنی بر پی‌نویس، به دنبال هر نوع یادداشتی که به متن افزوده یا کاسته شود، اعداد سراسر متن مقاله یا فصل باید تغییر کند. اما در نظام مبتنی بر پانویس فقط اعداد همان صفحه تغییر می‌یابد.
- ✓ در نظام مبتنی بر پانویس، دسترسی خواننده به یادداشت‌های مربوط به منابع مورد استناد، هنگام مطالعه متن، آسان‌تر از نظام مبتنی بر پی‌نویس است. (همو)

ب. شیوه نامه ونکوور

در سال ۱۹۷۸ گروه کوچکی از سردبیران نشریات علوم پزشکی در ونکوور بریتیش کلمبیا به طور غیر رسمی گرد هم آمدند تا دستورالعملی نگارشی برای مقالات ارسالی به نشریات تدوین کنند. این گروه، که در ابتدا گروه ونکوور نامیده می‌شد بعدها کمیته بین‌المللی ویراستاران نشریات زیست پزشکی (ICMJE) را تشکیل دادند. این کمیته سالی یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و وظیفه بازنگری شیوه نامه ونکوور را برعهده دارد. در شیوه نامه ونکوور بخشی به نحوه تدوین ارجاعات کتابشناختی در یک مقاله اختصاص یافته است. (همو)

استناد در متن

- ✓ شیوه استناد ونکوور، مبتنی بر نظام توالی استناد است. مطابق این شیوه قاعده کلی برای استناد در متن این است که منابع به ترتیب استناد، با استفاده از اعداد، در داخل پرانتز، یا گروه، یا به صورت زیرنویس،^۱ شماره گذاری شوند.

^۱ Superscript

- ✓ به هر منبع فقط یک شماره اختصاص می‌یابد، آن هم در اولین مکانی که در متن مورد استناد قرار می‌گیرد. از همین شماره در استنادهای مکرر به آن منبع، صرف نظر از مکان بعدی استناد، استفاده می‌شود.
- ✓ وقتی در قسمت مشخصی از متن به چند منبع توأمآ و به توالی استناد می‌شود از خط تیره^۱ برای ایجاد اتصال بین اولین و آخرین منبع استفاده می‌شود. به طور مثال، اگر در بخش مشخصی از متن به منابع ۵ تا ۱۲ توأمآ استناد شده باشد در پرانتز یا گروه یا به صورت زیرنویس نوشته می‌شود: ۵-۱۲. در صورتی که به چند منبع که قبلاً هم مورد استناد قرار گرفته‌اند و دارای شماره‌های استناد غیر متوالی هستند توأمآ استناد شود اعداد به ترتیب استناد با ویرگول از یکدیگر جدا می‌شوند: ۱، ۴، ۵، ۱۱. در صورتی که بخشی از اعداد متوالی و بخشی غیر متوالی باشند می‌توان از شکل ترکیبی استفاده کرد: [۱-۵، ۷، ۸، ۱۲].
- ✓ جایگاه اعداد استناد در متن باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. به طور مثال، یک ارجاع مشخص ممکن است فقط مربوط به بخشی از جمله باشد نه همه آن، لذا باید عدد مربوط به استناد در جایی قرار بگیرد که مشخص‌کننده چنین وضعیتی باشد.
- ✓ قانون کلی درباره جایگاه استناد این است که این اعداد باید بعد از علائم سجاوندی مثل نقطه‌ها و ویرگول‌ها و قبل از دو نقطه‌ها و نقطه ویرگول‌ها قرار بگیرند. (همو)

۲. شیوه‌های استناد درون‌متنی

الف. شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A)

این شیوه‌نامه توسط انجمن روانشناسی آمریکا تدوین شده است و بیشتر در حوزه علوم اجتماعی، علوم رفتاری، تعلیم و تربیت، علوم پرستاری، و بهداشت به کار می‌رود. این شیوه‌نامه که مبتنی بر نظام استناد درون‌متنی است، به نظام "نام-سال" نیز شهرت دارد. (همو)

قالب: (پرانتز باز) نام خانوادگی پدیدآورنده (ویرگول، یک فاصله) سال نشر اثر (پرانتز بسته)

^۱ Hyphen

ب. شیوه نامه انجمن زبان مدرن امریکا (MLA)

شیوه نامه ام.ال.ای، یا همان شیوه نامه انجمن زبان مدرن امریکا، از جمله شیوه های استناد درون متنی است. این شیوه که مبتنی بر نظام "نام-صفحه شمار" است بیشتر با حوزه هایی از علوم سازگاری دارد که نقل قول مستقیم از اشخاص، به دلیل استناد به اعتبار گوینده، اهمیت وافری دارد. (همو)

نتیجه گیری و پیشنهاد

از آنجائیکه منابع مورد استفاده و استناد در هر اثر جدیدی، جزو حقوق معنوی صاحب اصلی اثر بوده، لذا، لزوم شفافیت در استناد دهی را ضروری می سازد. (نویسندگان جوان) لازم است تا جهت رعایت اصول امانت داری و اخلاق، در نویسندگی، علاوه بر استناد دهی دقیق، صحیح و استاندارد؛ از یک شیوه نامه استنادی استاندارد بین المللی نیز، بهره گیری نمایند.

همانگونه که اشاره شد؛ برای حفظ یکدستی در استناد، قواعد و معیارهایی در مقیاس بین المللی پدید آمده است که در استناد به تکنگاشت‌ها، گزارش‌ها، مقاله‌ها، و دیگر مدارک می توان آنها را به کار بست. هرچند برخی عقیده دارند که "به سبب وجود نمونه‌های متنوعی از استناد که در آثار و منابع گوناگون به چشم می‌خورند، ارائه هرگونه توصیه صریح و روشن در این باره دشوار است"، می توان از معیارهایی مانند استاندارد بین المللی توصیف کتابشناختی و قواعد فهرستنویسی انگلو امریکن بهره گرفت. در حوزه‌های مختلف علوم، شیوه‌های گوناگونی برای استناد به کتاب‌ها و نشریه‌ها وجود دارد که شیوه‌نامه "شرایط یکسان برای ارائه دستنوشته به مجله‌های زیست پزشکی"، که در سال ۱۹۷۸ توسط کمیته بین المللی سردبیران مجلات پزشکی تهیه شده، از آن جمله است. چهارصد نشریه معتبر پزشکی دنیا از این شیوه‌نامه برای مقاصد مختلف نوشته‌های علمی حوزه پزشکی پیروی می‌کنند.

با توجه به اینکه محور همایش، آسیب شناسی پژوهش در حوزه ادبیات است، در حوزه علوم انسانی، و به خصوص در ادبیات (به جز موضوعاتی خاص، مثل: شعر و داستان)، اثری خلق نمی شود مگر با استفاده و بهره گیری از منابع پیشین، لذا جهت رعایت اصول استناد دهی و یکدستی در کار، استفاده از شیوه نامه شیکاگو که پیشتر به آن اشاره شد، پیشنهاد می گردد.

منابع

۱. حری، عباس. (۱۳۸۵) "اطلاع‌رسانی: نگرش‌ها و پژوهش‌ها". تهران: کتابدار، چاپ دوم. ص. ۸۴-۸۵.
۲. حری، عباس. (۱۳۸۵) "شیوه‌های استناد در نگارش‌های علمی: رهنمودهای بین‌المللی". تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
۳. مدیرامانی، پروانه (۱۳۸۱) "استناد". در *دائرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج. ۱. (ص. ۱۷۶-۱۸۰). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.